

***Mutnabbi glory in the critique plant Review of the book
Shokooh Mutnabbi by Musa Aswar***

Sadeq Askari*

Abstract

A critical review of scientific works will lead to the recollectiof strengths and weaknesses, the growth and quality improvement of scientific works. Achieving the desired perfection in scientific writing is possible after explicit and constructive critiques. In this article, the book "Shokooh Mutnabbi" by Musa Aswar has been reviewed by the descriptive-analytical method. The results obtained from the review of this book show that the present book has many strengths in terms of form and content such as beautiful binding and professional typography, accuracy in typing and spelling of words, choosing a beautiful and inspiring title, and most importantly many skills in understanding meaning Arabic verses. However, the most important defects in the field of form and content of this book are: lack of cover design, writing the book title and topics at the bottom of all pages of the book instead of at the top, lack of methodical introduction at the beginning of the book, confusion in arranging the main sections of the book leading to separation and spacing poems have been translated and explained, lack of references and citations, and as a result, not mentioning research and translation sources, and most importantly, the frequent use of vague and unfamiliar Arabic and Persian words and phrases.

Shokooh Mutnabbi, Musa Aswar, Arabic Poetry, Translation Criticism.

Keyword: Shokooh Mutnabi; Musa Aswar; Arabic Poetry; Translation Criticism.

* Associate Professor, Semnan University, Tehran, Iran. s_askari@semnan.ac.ir.

Date received: 2020-10-16, Date of acceptance: 2021-01-25

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شکوه متنبی در بوته نقد: نقد و بررسی کتاب شکوه متنبی اثر

موسی اسوار

صادق عسکری*

چکیده

نقد و بررسی انتقادی تولیدات علمی، و یادآوری موارد قوت و ضعف آنها، رشد و ارتقای کیفی آثار علمی را به دنبال خواهد داشت. رسیدن به کمال مطلوب در نگارش علمی، پس از نقدهای صریح و سازنده میسر است. در این نوشتار کتاب شکوه متنبی اثر موسی اسوار، که دربردارنده ترجمه و شرح فارسی ۵۵ قصیده مشهور متنبی است، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، نقد و بررسی شده است.

نتایج به دست آمده از بررسی این کتاب نشان می‌دهد که کتاب حاضر دارای موارد قوت شکلی و محتوایی فراوانی از قبیل صحافی زیبا و حروف‌نگاری حرفه‌ای، دقت در تایپ و املاي کلمات، انتخاب عنوان زیبا و الهام‌بخش، و مهم‌تر از همه مهارت فراوان در فهم معنای ابیات عربی، است. اما مهم‌ترین نقص‌های شکلی و محتوایی این کتاب عبارت‌اند از: فقدان طراحی جلد، نوشتن عنوان کتاب و عنوان‌های مباحث در پایین تمامی صفحات کتاب به جای بالای صفحات، فقدان مقدمه روشمند در آغاز کتاب، آشفتگی در تنظیم بخش‌های اصلی کتاب که به جدایی و فاصله بین دو بخش ترجمه قصاید و شرح آنها منجر شده است، فقدان ارجاعات و استنادات و در نتیجه عدم ذکر منابع تحقیق و ترجمه، و مهم‌تر از همه کاربرد فراوان واژه‌ها و عبارات مبهم و نامأنوس عربی فارسی. **کلیدواژه‌ها:** شکوه متنبی، موسی اسوار، شعر عربی، نقد ترجمه.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه سمنان، سمنان، ایران، s_askari@semnan.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۶

۱. مقدمه

نقد و نقادی از دیرباز در زندگی انسان رایج بوده است و انسان‌ها در طول تاریخ افکار و اندیشه‌های خود را در زمینه‌های متعدد دینی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و ادبی، با کمک منتقدان دلسوز و یا حتی عیب‌جویان و کینه‌توزان اصلاح کرده‌اند. لذا، می‌توان گفت ارزش نقد آثار علمی از ارزش خود آثار کم‌تر نیست، چراکه شناساندن موارد ضعف و قوت هر اثر سبب اجتناب نویسنده آن اثر و دیگر نویسندگان از نواقص مشابه می‌شود و فواید فراوانی را در پی خواهد داشت.

آنچه در این نوشته می‌آید ملاحظات مختصری است درباره کتاب شکوه منتبی اثر موسی اسوار. هدف از این پژوهش بررسی شکلی و محتوایی کتاب یادشده است. نگارنده در این پژوهش برآن است تا با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، و پس از معرفی کلی اثر، نتیجه ارزیابی خود را در دو مبحث شکل و محتوا متمرکز سازد، و از روی صدق و اخلاص، و در عین حال صریح و بی‌پرده ملاحظاتی را که در حین مطالعه و بررسی این اثر به ذهنش خطور کرده است، برای نویسنده کتاب و دیگر علاقه‌مندان به حوزه نقد آثار علمی و آموزشی ارائه دهد. به این امید که این تلاش گام کوچک و مؤثری باشد برای رفع کاستی‌ها در چاپ‌های احتمالی بعدی این کتاب، و یا حتی آثار دیگری که در آینده ممکن است در این زمینه به زیور چاپ آراسته شود.

مهم‌ترین سؤالاتی که در این پژوهش، مطرح است، عبارت‌اند از: مزایا و نواقص کتاب حاضر از نظر شکل و ساختار ظاهری چیست؟ کتاب موردنظر در زمینه محتوا و کیفیت ترجمه چه قوت‌ها و ضعف‌هایی دارد؟ در این مقاله پس از معرفی کلی اثر، تلاش می‌شود در دو مبحث اصلی با عنوان ارزیابی شکلی و ارزیابی محتوایی به دو سؤال فوق به تفصیل پاسخ داده شود.

درخصوص پیشینه تحقیق باید گفت که بررسی‌های انجام‌شده نشان داده است که این کتاب تاکنون در ایران مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است، با این حال کتاب‌های متعدد روش تحقیق که در رشته‌های مختلف علوم انسانی در داخل و خارج از کشور چاپ شده است، همچنین نقدهای متعددی که توسط شورای بررسی متون پژوهشگاه علوم انسانی وزارت علوم انجام شده و در پژوهش‌نامه انتقادی متون چاپ شده است، و نیز مقالات «بررسی تطبیقی سه ترجمه از سروده‌های منتبی»، نوشته مهدی فیروزیان (۱۳۸۹)، کتاب ماه

شکوه متنبی در بوته نقد: نقد و بررسی کتاب شکوه متنبی اثر موسی اسوار ۱۴۹

ادبیات، ش. ۴۱) و «نقد و بررسی ترجمه و تحلیل دیوان متنبی ترجمه علیرضا منوچهریان»، اثر عنایت‌الله فاتحی‌نژاد (۱۳۹۲، کتاب ماه ادبیات، ش. ۷۴) چاپ شده است، راهگشای نگارنده بوده است.

۲. معرفی کلی اثر

۲-۱. معرفی نویسنده

موسی اسوار متولد سال ۱۳۳۲ در کربلا و فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تهران است. وی از نویسندگان و مترجمان پرکار کشور است که آثار عربی فراوانی را به فارسی ترجمه کرده است. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: صحیفه سجادیه اثر امام زین‌العابدین^(ع)، روح تشریح در اسلام اثر سید موسی صدر، ادبیات و تاریخ‌نگاری آن اثر طه حسین، تا سبز شوم از عشق اثر نزار قبانی، اگر باران نیستی نازنین، درخت باش اثر محمود درویش، عیسی پسر انسان اثر جبران خلیل جبران، ادبیات و تاریخ‌نگاری آن اثر طه حسین. (محمدی، ۱۳۹۹؛ بی‌نا، ۱۳۹۹).

۲-۲. توصیف ظاهری کتاب

کتاب شکوه متنبی، شامل برگردان ۵۵ قصیده برگزیده از ابوالطیب المتنبی، یکی از مشهورترین شاعران عرب قرن چهارم، در ۵۲۳ صفحه، در قطع و زیری، در سال ۱۳۹۵، توسط انتشارات سخن در تهران، با تیراژ ۱۱۰۰۰ نسخه، به چاپ رسیده است. با این معرفی کلی و مختصر کتاب حاضر، اینک به نقد و بررسی آن در دو محور شکل و محتوا می‌پردازیم.

۳. ارزیابی شکلی کتاب

شاخص‌هایی که در ارزیابی شکلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، به ترتیب عبارت‌اند از: طراحی جلد، صحافی، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، و رعایت قواعد عمومی نگارشی و ویرایشی، و در نهایت مستندسازی و ارجاع‌دهی.

۳-۱. موارد قوت در بررسی شکلی

با بررسی ویژگی‌های شکلی و فنی کتاب، باید اذعان کرد که کتاب حاضر دارای شکل و قالب بسیار خوبی است که بیانگر تجربه ناشر در حوزه نشر است. از جمله نکته‌های مثبت و مزایای فنی کتاب در زمینه شکل ظاهری، صحافی بسیار مناسب و دقیق، حروف نگاری متناسب در هر دو متن عربی و فارسی است. انتخاب نوع خط متناسب با زبان عربی بوده و واژه‌ها و سطرها نیز با فاصله مناسبی از هم قرار گرفته‌اند. به طوری که متن برای خواننده چشم‌نواز به نظر می‌رسد. هر چند اگر حجم حروف کمی بزرگ‌تر می‌شد، برای خوانندگان راحت‌تر بود. صفحه‌آرایی کتاب هم، علی‌رغم برخی نواقص که بعداً به آن اشاره می‌شود، قابل قبول است. فاصله‌بندیها (پاراگراف‌ها) از هم و تورفتگی ابتدای بندها باعث متمایز شدن آن‌ها از همدیگر شده و بر زیبایی صفحه افزوده است. البته این مورد تنها در مقدمه ۳۰ صفحه‌ای کتاب قابل مشاهده است، چراکه قسمت‌های اصلی کتاب به دلیل ماهیت ترجمه و شرح ابیات، شماره‌گذاری شده است. به نظر می‌رسد نویسنده در صفحه‌آرایی کتاب دقت فراوانی به خرج داده است.

از دیگر موارد قوت شکلی این کتاب، دقت در تایپ و کاهش اشتباه‌های چاپی است، چراکه خط‌های چاپی در این اثر ۵۰۰ صفحه‌ای از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند، و این نشانه تلاش نویسنده و دقت در بازنگری قبل از چاپ بوده و تحسین‌برانگیز است.

۳-۲. موارد ضعف در بررسی شکلی

پس از بیان نکته‌های قوت شکلی و فنی، در این بخش به بیان برخی نکته‌های ضعف شکلی در زمینه طراحی جلد، صحافی، حروف‌نگاری، صفحه‌آرایی، رعایت قواعد عمومی نگارشی و ویرایشی، و در نهایت مستندسازی و ارجاع‌دهی، می‌پردازیم.

۳-۲-۱. طرح جلد: شکی نیست که طرح روی جلد، در میزان توجه و اقبال خوانندگان، تأثیر فراوان دارد. در خصوص طرح روی جلد کتاب حاضر باید گفت که گویا نویسنده کتاب از آن غافل مانده و علی‌رغم اینکه در شناسنامه کتاب در صفحه ۶، شخصی به عنوان طراح روی جلد معرفی شده است، ولی هیچ‌گونه طرحی بر روی جلد کتاب مشاهده نمی‌شود. بر روی جلد کتاب تنها نام کتاب و نام نویسنده در قسمت بالا، و عبارت «گویی بر باد سوارم، سکون و آرامم نیست» در قسمت پایین جلد کتاب آمده است.

علی رغم اینکه انتخاب و خطاطی خاص عبارت فارسی ذکرشده در انتهای جلد، بسیار هنرمندانه و بجا و متناسب با شخصیت و داستان زندگی متنی بوده است، ولی به گمان نگارنده مقاله نگارش یک جمله در یک‌هشتم پایانی جلد کتاب را نمی‌توان طراحی جلد به‌شمار آورد، اگرچه مضمون و شکل عبارت زیبا باشد.

۲-۲-۳. صفحه‌آرایی: همانطور که در بیان نکته‌های قوت شکلی ذکر شد، صفحه‌آرایی کتاب بسیار خوب و تحسین‌برانگیز است. با این حال به نظر نگارنده دو نقص در این زمینه مشهود است؛ اولین نقص صفحه‌آرایی، قرار دادن عنوان کتاب در پایین صفحات زوج و قرار دادن عنوان‌های مباحث در زیر تمامی صفحات فرد است. در حالی که به نظر نگارنده قرار دادن این‌گونه توضیحات برای کمک به خواننده و یادآوری عنوان کتاب و مباحث آن، معمولاً در بالای صفحه‌ها می‌آید، نه پایین آن؛ چراکه قرار گرفتن عنوان مبحث در بالای صفحه‌ها، سریع‌تر و راحت‌تر در معرض دید خواننده قرار می‌گیرد.

نقص دیگر صفحه‌آرایی کتاب، تساوی حاشیه‌های چپ و راست صفحات است. در حالی که معمولاً در کتاب‌های فارسی و عربی حاشیه سمت راست باید بیشتر از حاشیه سمت چپ باشد، تا پس از قرار گرفتن قسمتی از حاشیه سمت راست در هنگام صحافی، فاصله هر دو طرف حاشیه مساوی شود.

۳-۲-۳. خطاهای چاپی: همانطور که در موارد قوت شکلی اشاره شد، اشتباه‌های چاپی در این کتاب بسیار نادر است، ولی برای ترغیب به بازنگری تایپی کتاب و اصلاح این اشتباهات تایپی در چاپ‌های احتمالی بعدی، به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

رامش به جای آرامش (ص. ۱۹)؛ بختری به جای بحتری (ص. ۳۵)؛ طبقات به جای طبعات (ص. ۳۵)؛ زائد بودن حرف ربط «و» قبل از واژه عناصر در عبارت: «عامل دیگر اوج هنر شاعری و سخنوری او و عناصر متنوع و چندگانه‌ای است که ...» (ص. ۳۵)؛ بندی به جای بنده‌ی یا بنده (ص. ۱۵۱)؛ مثلک به جای مثلک (ص. ۲۲۴)، بلندها به جای بلندی‌ها (ص. ۳۱۱).

۴-۲-۳. قواعد عمومی نگارش: یکی از نواقصی که معمولاً نویسندگان آن را تکرار می‌کنند، عدم رعایت دقیق قواعد عمومی نگارش و دستور زبان است که میزان این‌گونه خطاها بسته به حجم کار در هر اثری متفاوت است. یکی از امتیازات این کتاب دقت بسیار در رعایت قواعد عمومی نگارش و درنهایت کمبود این‌گونه خطاهاست. با این حال در این

بخش به نمونه‌هایی از خطاهای نگارشی و ویرایشی از قبیل غلط‌های لغوی و صرفی و نحوی، اشاره می‌شود.

یکی از نواقص بسیار پربسامد در این کتاب کاربرد واژگان و عبارتهای نامأنوس است. و شگفت‌آور اینکه این نقص به دو شکل کاملاً متضاد بروز کرده است: شکل اول اصرار نویسنده بر واژگان و ترکیب‌های فارسی اصیل و قدیمی و گاهی هم خودساخته، منجر به کاربرد واژگانی شده است که چندان رایج نیست و به‌ندرت کاربرد دارد، و به همین دلیل مبهم و ناشناخته مانده است. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

همال به جای همتا یا برابر (ص. ۲۸)؛ همالان به جای همتایان یا شریکان (ص. ۴۷)،
 منعت و مضا به جای بزرگ‌منشی و برندگی (ص. ۴۷)، ستیغ‌ها به جای بلندی‌ها و قله‌ها
 (ص. ۵۱)، درنوشت به جای در نوردید (ص. ۵۱)؛ سترون به جای نازا (ص. ۵۵)؛ پویه
 تندشان به جای دویدن و تاختن (ص. ۵۷)؛ تن زدم به جای دم بر نیاورم یا خاموش شدم
 (ص. ۵۹)؛ فاق قلم به جای شکاف قلم (ص. ۹۹)؛ چکاد به جای تارک یا بالای سر (ص.
 ۱۴۵)؛ آهیخته به جای آخته یا برهنه (ص. ۱۴۷)؛ سربها به جای خون‌بها (۱۴۷)؛ مزیدن به
 جای چشیدن یا مکیدن (ص. ۱۵۳)؛ شوشه به جای شمش (ص. ۱۷۵) (عجیب است که
 نویسنده در شرح همین بیت در صفحه ۴۵۹، معنای سبائک را شوشه و شمش نوشته است،
 ولی در ترجمه بیت از واژه نامأنوس شوشه به جای شمش استفاده کرده است)؛ طرفه‌تر به
 جای تازه‌تر یا شگفت‌تر (ص. ۱۷۵)؛ پس پشت نهاده به جای پشت سر نهاده (ص. ۲۱۱)؛
 سپل به جای سُم (ص. ۲۱۲)؛ رو نهاد به جای برگشت یا گریخت (ص. ۲۲۵)؛ تیغ به جای
 پادشاه (ص. ۲۲۷)؛ در تن نافذ به جای تیز (ص. ۲۳۱)؛ غنج به جای خوشی و ناز و نعمت
 (ص. ۲۵۳)؛ به ما در پیوند به جای نزد ما بیا یا به ما پیوند (ص. ۲۸۱)؛ پرداختن خاطر به
 جای آرامش خاطر یا آسودگی خاطر (ص. ۲۸۳)؛ بادپیمایی اسبان و پویه اشتران به جای
 دویدن اسبان و راه رفتن اشتران (ص. ۲۸۳)؛ کین خواست به جای دشمنی کرد یا انتقام گرفت
 (ص. ۳۰۳، ۳۶۳، ۳۷۳)؛ گردان به جای قهرمانان (ص. ۳۱۱)، دهش به جای بخشش یا پاداش
 (ص. ۳۲۳)؛ تو چیزی را درخود بایسته کردی که در بایست نبود، به جای تو چیزی را بر
 خود واجب کردی که ضروری نبود (ص. ۳۲۳)؛ آماس به جای برآمدگی و تاول (ص. ۳۲۵)؛
 «ای شمایی» که به جای «ای کسانی که» (ص. ۳۲۵) (به‌ویژه اینکه ضمیر متصل در عبارت
 عربی «هم» است نه «کم»)؛ «ای خویشان، به مهلکه‌ها درآی»، به جای «ای دل به گرداب‌ها و

مخاطرات روی آور» (ص. ۳۴۷)؛ نیزه آختن و نیزه باختن به جای نیزه زدن (ص. ۲۳، ۳۶۹) (شگفت است که در همین صفحه واژه عربی «طعن» سه بار به کار رفته است؛ یک بار در بیت سوم و دو بار در بیت دهم که مترجم برای آن‌ها سه معادل متفاوت آورده است؛ نیزه آختن، نیزه زدن، نیزه باختن)؛ توسنی به جای سرکشی (ص. ۴۰۱)؛ کم‌دلی به جای ترس (ص. ۴۰۱)؛ پائندان به جای ضامن یا کفیل (ص. ۱۴۹) (نویسنده در صفحه ۱۴۹ واژه «پذیرفتار» را به جای ضامن یا کفیل به کار برده که به نظر نگارنده مناسب و قابل تحسین است، اما کاربرد پائندان به جای ضامن نامأنوس است)؛ نی‌نی چشم به جای مردمک چشم (ص. ۴۱۱).

شکل دوم کاربرد واژگان عربی است؛ آن‌هم نه واژگان عربی پرکاربرد و مأنوس که در فارسی رایج بوده و قابل فهم هستند، مانند: احاطه به جای آگاهی و شناخت (ص. ۱۴)؛ حدت به جای تند (ص. ۲۵)؛ هزیمت به جای شکست (ص. ۲۷)؛ سخا به جای بخشش (ص. ۲۷)؛ نشئت به جای رشد (ص. ۲۸)؛ معالی به جای بزرگواری‌ها (ص. ۳۰)؛ خصایص به جای ویژگی‌ها (ص. ۲۵)؛ متبلور به جای آشکار و هویدا (ص. ۳۳)؛ بلکه واژگانی که در زبان فارسی رایج نبوده و برای خواننده فارسی‌زبان اصلاً قابل فهم نیستند. گرچه بهتر بود به جای همان واژگان عربی رایج هم معادل فارسی ذکر می‌شد.

اما کاربرد واژگان عربی نامأنوس مانند: ممسک به جای بخیل (ص. ۱۸، ۳۰۳)؛ تعیش به جای عیش و نوش (ص. ۲۳)؛ جبلی به جای نهادینه یا ذاتی (ص. ۲۵)؛ حزم به جای قاطعیت (ص. ۲۷)؛ رشحات به جای تراوش (ص. ۳۱)؛ جزالت به جای استواری (ص. ۳۱)؛ فحل به جای توانا و نیرومند (ص. ۳۴، ۱۸۵)؛ نحریر به جای ماهر و چیره‌دست (ص. ۳۴)؛ احصا به جای شمارش (ص. ۳۶)؛ سواد عراق به جای حومه و اطراف عراق (ص. ۵۹)؛ منیع به جای محکم و استوار (ص. ۶۷)؛ طعن و ضرب به جای نیزه زدن و شمشیر زدن (ص. ۸۵)؛ مدیدتر به جای بیشتر یا درازتر (ص. ۹۹)؛ نوال به جای بخشش (ص. ۱۰۱، ۱۸۷)؛ جعد ساختن به جای بافتن یا پیچیدن (ص. ۱۵۳)؛ صید طره‌ای صف کرده به جای شکار زلف یا گیسوی بافته (ص. ۱۵۳)؛ مرارت به جای تلخی (ص. ۱۵۵)؛ ناطقان ضاد به جای تازیان (ص. ۱۵۷)؛ آتی به جای آینده (ص. ۱۹۱)؛ مربوط به جای اسطبل (ص. ۱۹۱)؛ راحله به جای مرکب یا چهارپا (ص. ۲۱۳)؛ غالیه به جای بوی خوش یا عنبر (ص. ۲۵۳)؛ منغص به جای ناخوش یا ناگوار (ص. ۲۸۵)؛ ضیاع به جای املاک و آبادی (ص. ۲۸۷)؛ زبان در حَنک به جای زبان در کام (ص. ۳۰۹)؛ بی‌وعده و نامنتظر به جای ناگهانی (ص. ۳۱۱)؛ نظارگان به جای بینندگان

یا ناظران (ص. ۳۱۱)؛ غزا به جای جنگ و نبرد (ص. ۳۲۳، ۳۷۱)؛ حادثات روزگار به جای رویدادهای روزگار یا سختی‌های روزگار (ص. ۳۴۳، ۳۶۱)؛ حزم به جای هوشیاری و دوراندیشی (ص. ۳۶۳)؛ خویشان‌های ما به جای جان‌ها و روان‌های ما (۳۶۵) (مترجم خود در بیت بعدی نفس را جان ترجمه کرده است)؛ ثرید به جای شوربا یا خورششت (ص. ۴۰۱)؛ شمیم ند به جای بوی خوش عود (ص. ۴۰۱)؛ اسبان رهانی به جای اسبان گرویی یا رهنی (ص. ۴۰۵). شگفت‌آور اینکه نویسنده در قسمت یادداشت‌ها در آخر کتاب، معادل فارسی بیشتر این واژگان عربی را آورده، اما در ترجمه ابیات همان واژه عربی را به‌کار برده است.

۳-۲-۵. مؤلفه‌های جامعیت صوری: اگرچه بررسی مؤلفه‌های جامعیت صوری در این اثر که به ترجمه چکامه‌های برگزیده متنی، شاعر نامی عرب، اختصاص یافته است، با آثار دیگر متفاوت است، با این حال باید گفت که نویسنده در این کتاب مؤلفه‌های جامعیت صوری را چندان رعایت نکرده است. کتاب مورد بررسی دارای یک مقدمه است که با مقدمه‌های علمی و روشمند که دارای ویژگی‌ها و عناصر خاصی هستند، متفاوت است. مترجم در مقدمه ۳۰ صفحه‌ای کتاب پس از دو صفحه مطلب درباره اهمیت و جایگاه متنی در ادبیات عربی و فارسی و برخی ویژگی‌ها و نبوغ وی، در چهار مبحث به حیات متنی، شخصیت و دیدگاه‌ها او، شعر او، جایگاه و تأثیر او پرداخت. گرچه به دلیل ماهیت ترجمه می‌توان از فقدان خاتمه و نتیجه‌گیری در آخر کتاب چشم‌پوشی کرد، اما بهتر بود مترجم در مقدمه‌ای روشمند به ضرورت و فایده ترجمه این قصاید اشاره و دلایل و اسباب انتخاب این قصاید برگزیده را از بین ۳۲۶ قصیده متنی بیان می‌کرد (برای اطلاعات بیشتر از مقدمه روشمند و عناصر تشکیل‌دهنده آن رک: أبوسلیمان، ۱۳۸۷، ص. ۱۳۷؛ خورشیدی و همکاران، ۱۳۷۸، ص. ۸۳؛ ۵۳۱؛ غلامرضا خاکی، ۱۳۸۶، ص. ۵؛ علی دلاور، ۱۳۸۵، ص. ۳۳۰؛ مشکین‌فام، ۱۳۸۶، ص. ۲۷).

درخصوص بخش‌های کتاب هم باید گفت که کتاب حاضر مطابق ساختار رایج کتاب‌های ترجمه از سه بخش اساسی تشکیل شده است. مترجم پس از اختصاص ۱۳ صفحه اولیه برای عنوان و شناسنامه کتاب و فهرست مطالب، قسمت‌های اصلی کتاب را در سه بخش مقدمه، شعرها و یادداشت‌ها آورده است. در پایان نیز «فهرست مطلع شعرها» در ۳ صفحه آمده است. تنها فهرست کتاب، فهرست محتواها و فهرست مطلع اشعار است و از لیست منابع، نمایه‌سازی و فهرست‌های متنوع دیگر به‌ویژه فهرست اعلام که در این کتاب ضروری به‌نظر می‌رسید، خبری نیست.

۴. ارزیابی محتوایی

از آنجایی که بررسی محتوایی هر اثری از بررسی شکلی اهمیت بیشتری دارد، لذا خلاف مبحث اول که در یک نگاه کلی به دو بخش نقاط قوت و ضعف تقسیم شده بود، بررسی محتوایی کتاب حاضر به چهار بخش تقسیم شده و برای هر بخش عنوانی که متناسب با مضمون و محتوای آن است، برگزیده شد. این چهار بخش که مطابق ساختار و ماهیت کتاب‌های ترجمه شده انتخاب شده‌اند، عبارت‌اند از:

الف) ضرورت و فایده کتاب،

ب) تقسیم‌بندی و تنظیم بخش‌های کتاب،

ج) مستندسازی و ارجاعات،

د) کیفیت ترجمه و معادل‌یابی.

باید دانست که دلیل انتخاب این بخش‌ها در بررسی محتوایی هر اثر آن است که تقسیم هر مبحث به نقاط قوت و ضعف نشانه سطحی و کلیشه‌ای بودن عنوان‌های انتخاب شده است. لذا در بررسی شکلی که نوعی بررسی ظاهری و سطحی است از عنوان‌های کلی و کلیشه‌ای استفاده کردیم. اما در بررسی محتوایی بهتر دیدیم که با توجه به مباحث و معیارهای چهارگانه در بررسی محتوایی، هر معیار را در بخش مستقل و با عنوان متناسب با آن معیار بررسی کنیم. بی‌شک این سخن بدان معنا نیست که ما در بررسی محتوایی به موارد قوت و ضعف نمی‌پردازیم، بلکه در هریک از این بخش‌های چهارگانه قطعاً بر نقاط قوت و ضعف تمرکز می‌کنیم.

۴-۱. ضرورت و فایده کتاب

آنچه به‌منزله نخستین و شاید مهم‌ترین معیار ارزش‌گذاری آثار علمی و تألیفات دانشگاهی مورد تأکید صاحب‌نظران عرصه تحقیق و تألیف کتب علمی و دانشگاهی است، ضرورت و فایده آن است. صاحب‌نظران با توجه به نوع و حجم تحقیق، چند ویژگی یا معیار برای بررسی ضرورت و فایده کتاب ذکر کرده‌اند (ضیف، ۱۹۷۲، صص. ۱۸-۲۰؛ شلّبی، ۱۹۷۴، صص. ۸-۹؛ سنّو، ۲۰۰۱، جامعه القدیس یوسف؛ مشکین‌فام، ۱۳۸۶، صص. ۲۰-۲۱؛ صابری، ۱۳۸۴، صص. ۲۱-۲۲؛ نادری و سیف‌نراقی، ۱۳۷۲، ص. ۵۱، ۲۰۱). در بندهای بعدی ضمن

اشاره به مشهورترین این معیارها، نظر نگارنده درمورد ضرورت و فایده کتاب حاضر بیان می‌شود.

یکی از معیارهای مهم برای ارزیابی ضرورت و فایده هر اثری، جدید بودن موضوع کتاب و در نتیجه مفید بودن آن است. باید گفت که موضوع ترجمه دیوان متنبی در ایران، هنوز در ابتدای راه است، لذا موضوع کتاب حاضر از نظر تازگی و مفید بودن تا حدود زیادی قابل قبول است. مهم‌ترین دلیل ما برای این سخن، جایگاه متنبی در شعر عربی و بازتاب شعر وی در ادبیات فارسی و به تبع آن تأثیرپذیری بسیاری از شعرا و نویسندگان از وی است. شواهد این بازتاب و تأثیرپذیری در متون ادب فارسی فراوان است (برای اطلاع بیشتر نک: بیهقی، ۱۳۷۶، ص. ۱۷۴، ۳۷۸، ۵۶۷، ۵۸۱؛ نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۸۸، ص. ۱۳؛ نصرالله منشی، ۱۳۷۳، ص. ۶۷، ۸۱، ۹۳؛ سعدالدین وراوینی، ۱۳۶۳، ص. ۳۵، ۱۹۸، ۲۲۰).

اگرچه مترجم به شرح‌های متعدد دیوان متنبی و پیشینه ترجمه‌های فارسی این دیوان در ایران، اشاره‌ای نکرده است، ولی باید دانست که قبل از وی تلاش‌های متعددی در ترجمه شعر متنبی به فارسی انجام شده است، که در اینجا لیست این ترجمه‌ها، بر اساس تاریخ انتشار ذکر می‌شود:

۱. اسماعیل امامی نصیر محله (۱۳۸۰)، «مدح در اشعار متنبی و ترجمه و شرح گزیده‌ای از مدایح» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی فیروز حریرچی و مشاوره امیرمحمود انوار.
۲. علیرضا منوچهریان (۱۳۸۲)، ترجمه و تحلیل دیوان متنبی از شرح برقوقی (تطبیق با شروح واحدی، عکبری و یازجی)، همدان: انتشارات نور علم.
۳. آرتور جان آربری و موسی اسوار (۱۳۸۴)، چکامه‌های متنبی، تهران: انتشارات شهر کتاب، هرمس (این ترجمه منتخبی است از قصاید متنبی که به سه زبان عربی، انگلیسی، و فارسی منتشر شده است. باید گفت تفاوت این کتاب با کتاب مورد بررسی ما در این نوشتار این است که انتخاب شعرها در این کتاب بر اساس دیدگاه خاورشناس انگلیسی، آرتور جان آربری، و مطابق مراحل زندگی شاعر بوده است).
۴. رضایی هفتادری، غلامعباس و حسن‌زاده نیری، محمدحسن (۱۳۸۶)، شرح گزیده دیوان متنبی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵. منوچهریان، علیرضا (۱۳۸۸)، ترجمه و تحلیل دیوان متنبی، جزء اول از شرح برقوقی (تطبیق با شروح واحدی، عکبری و یازجی)، تهران: زوار (این کتاب درحقیقت چاپ مجدد

شکوه متنبی در بوته نقد: نقد و بررسی کتاب شکوه متنبی اثر موسی اسوار ۱۵۷

و تصحیح شده است که قبلاً در سال ۱۳۸۲ توسط انتشارات نور علم همدان چاپ شده است).

۶. تاج‌بخش، اسماعیل (۱۳۹۲)، *پروای باد نیست چراغ مزار را: ترجمه و توضیح سوگ-سروده‌های ابوطیب متنبی*، تهران: آریا زمین.

۷. دریانورد، منظر (۱۳۹۴)، *ترجمه و شرح دیوان متنبی قافیه‌های (الزء، السین، الشین، الضاد، العین، الفاء)*، تهران: پالیز سخن.

۸. ایمانیان، حسین (۱۳۹۵)، *باده‌ها نوزند بدان جهت که کشتی خواهد: ترجمه و بازسرای گزیده‌ای از سروده‌های متنبی*، تهران: کلک سیمین.

همان‌طور که ملاحظه شده است، متأسفانه هیچ یک از ترجمه‌های فوق کامل نیست و تنها ترجمه بخشی از دیوان متنبی را دربر می‌گیرند. شاید بتوان گفت ترجمه علیرضا منوچهریان — گرچه هنوز کامل نیست، چون تاکنون تنها دو جلد از چهار جلد دیوان مطابق شرح برقوقی ترجمه شده است — از نظر حجم قصاید ترجمه‌شده از بقیه ترجمه‌ها کامل‌تر است، زیرا ترجمه‌های دیگر غالباً مثل همین کتاب مورد بررسی ما، به ترجمه گزیده‌ای از قصاید متنبی پرداخته‌اند (برای اطلاع از کیفیت ترجمه علیرضا منوچهریان رک: عنایت‌الله فاتحی‌نژاد، «نقد و بررسی ترجمه و تحلیل دیوان متنبی» از علیرضا منوچهریان، صص. ۶۰-۶۵). امید است به همت بلند استادان ادبیات عربی و فارسی این شاهکار ادبیات عربی به صورت کامل به فارسی ترجمه شود.

خلاصه اینکه، با وجود ترجمه‌های یادشده، همان‌طور که گفته شد، و با توجه به توانایی و مهارت و تجربه متعدد مترجم در ترجمه از عربی به فارسی و با توجه به بررسی دقیق ترجمه قصاید برگزیده در این کتاب که در بندهای بعدی به تفصیل بیان خواهد شد، به نظر می‌رسد اقدام مترجم در ترجمه قصایدی از دیوان متنبی، قابل ستایش است. علاوه بر آن داشتن عنوان ابتکاری، جذاب و الهام‌بخشی چون «شکوه متنبی» که با شعر و شخصیت متنبی تناسب بسیار دارد، نیز بر زیبایی کتاب افزوده است. گرچه این گونه عنوان‌ها بیشتر مناسب آثار پژوهشی و تألیفی است تا ترجمه.

۲-۴. تقسیم‌بندی و تنظیم بخش‌های کتاب

همانطور که در بررسی جامعیت صوری کتاب به صورت گذرا اشاره شد، مترجم، پس از اختصاص ۱۳ صفحه برای عنوان و شناسنامه کتاب و فهرست محتواها، اثر خود را به سه بخش به ترتیب زیر تقسیم کرد:

الف) «مقدمه» (صص. ۱۳-۴۲) دربارهٔ حیات، شخصیت، شعر و جایگاه متنی که در چند سطر قبل توضیح داده شد.

ب) «شعرها» (صص. ۴۳-۴۱۵) شامل ۵۵ قصیده برگزیده از دیوان متنی به همراه ترجمه فارسی.

ج) «یادداشت‌ها» (صص. ۴۱۶-۵۲۹) شامل شرح واژه‌ها و عبارات دشوار و معرفی اعلام. به نظر نگارنده اولین و بزرگ‌ترین ایراد و ضعف کتاب در تقسیم‌بندی و تنظیم بخش‌ها، قرار دادن یادداشت‌ها در قسمت پایانی کتاب است. به طوری که خواننده برای مشاهده معنای برخی از واژه‌های دشوار عربی یا شرح عبارت‌ها و همچنین مناسبت سرودن قصیده‌ها و معرفی برخی از شخصیت‌های مذکور در آن‌ها، باید به حدود ۳۰۰ یا ۴۰۰ صفحه بعد مراجعه کند. اگرچه این مشکل خود ناشی از مشکل بزرگ‌تری با عنوان عدم استناد و ارجاع و فقدان پاورقی در کتاب بوده است، اما انتخاب ارجاع برون‌متنی مطابق سبک ونگوور، و آوردن توضیحات در پایان کتاب، این نقص را برجسته‌تر کرده است (برای اطلاع بیشتر از سبک و ونگوور رک: حری و شاه‌داغی، ۱۳۸۵، صص. ۱۰۳-۱۴۰). به نظر نگارنده بهتر بود نویسنده معنی واژه‌ها و کلمات دشوار را در پاورقی و توضیحات و شرح‌های تکمیلی هر بیت را بلافاصله پس از ترجمه همان بیت، در متن بیاورد و با این کار خواننده را از سرگردانی بین بخش شعرها و توضیحات نجات دهد.

نقص دیگر در این زمینه، چگونگی تنظیم و ترتیب شعرهاست. مترجم تعداد ۵۵ قصیده از مجموع ۳۲۶ قصیده متنی را به تبعیت از شرح برقوقی، به ترتیب حروف قافیه آورده است. در حالی که به نظر نگارنده بهترین روش برای تنظیم قصاید متنی که به دلیل شهرت وی و دیوانش، تاریخ دقیق سرودن اشعارش ثبت شده است، تنظیم براساس ترتیب تاریخی یا ترتیب موضوعی است؛ یعنی همان روشی که در کتاب سه‌زبانۀ چکامه‌های متنی اثر آرتور جان‌آبری و موسی اسوار یعنی همین مترجم، انجام شده است. به عبارت دیگر، بهتر بود قصاید براساس تاریخ سرایش، مطابق آنچه در نسخهٔ دیوان متنی به تصحیح عبدالوهاب عزام مصری و یا

شرح أبوالعلاء معری یا شرح أبوالحسن واحدی آمده است، تنظیم می‌شد؛ زیرا بدین ترتیب خواننده سیر تحولات و دگرگونی‌های فکری و شخصیتی متنبی را بهتر درک می‌کند.

۳-۴. مستندسازی و ارجاعات

کم‌تر نویسنده یا مترجمی می‌تواند ادعا کند که آنچه را نوشته است تنها زائیده اندیشه خود اوست، چراکه نویسندگان و مترجمان غالباً معلومات مورد نیاز خود را از طریق مطالعه منابع و شرح‌ها که نتیجه و ثمره تلاش‌های گذشتگان است، به دست می‌آورند. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی که نویسندگان پس از انتخاب موضوع انجام می‌دهند، جست‌وجو در منابع مختلف برای جمع‌آوری معلومات لازم درخصوص موضوع است (دلاور، ۱۳۸۵، ص. ۳۷، ۳۸؛ فرامرز قراملکی، ۱۳۸۵، ص. ۹۶). با این مقدمه باید گفت یکی از مهم‌ترین موارد ضعف این کتاب، عدم استناد و ارجاع است. به عبارت دیگر مترجم در هیچ‌جای کتاب به منابع لغت‌نامه‌ها و شرح‌های دیوان متنبی اشاره نکرده است. اگرچه ممکن است مترجمان کتاب‌هایی از این دست خود را بی‌نیاز از ارجاع و استناد بدانند، ولی به دلایل زیر حقیقت غیر از این است.

نخست اینکه قطعاً مطالبی که مترجم در مقدمه ۳۰ صفحه‌ای کتاب یا در هنگام شرح برخی از ابیات در قسمت یادداشت‌ها، آورده است، معلومات و اطلاعاتی است که مستقیم یا غیرمستقیم از منابع تاریخی و ادبی و نقدی قدیم یا جدید گرفته شده است. برای مثال مترجم در ابتدای مقدمه در صفحه ۱۳ مطالبی را به نقل از ابن رشیق قیروانی به صورت نقل قول مستقیم و حتی با قرار دادن متن اقتباس شده در داخل علامت نقل قول (گیومه) آورده است، ولی از ارجاع به کتاب *العمله* ابن رشیق خودداری کرده است. یا اینکه در همین مقدمه معلومات تاریخی متعددی از زندگی متنبی و جایگاه او بدون ذکر منبع آمده است. علاوه بر آن توضیحاتی که در بیان مناسبت سرودن قصاید در قسمت یادداشت‌ها در صفحه‌های ۴۹۷، ۵۰۰، ۵۰۴، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۶ ذکر شد، نیاز به ارجاع دارد. اخلاق علمی حکم می‌کند که با ارجاع به آثار گذشتگان، حق آن‌ها را ادا کنیم و با این کار علاوه بر افزایش دقت علمی اثر خود، پای‌بندی به اخلاق علمی را نیز به آیندگان بیاموزیم.

دوم اینکه هر مترجمی در هنگام ترجمه قطعاً از لغت‌نامه‌های متعدد استفاده می‌کند، لذا شایسته است به آن‌ها ارجاع دهد یا حتی در صورت عدم احساس نیاز به ارجاع در هر صفحه

به دلیل ماهیت ترجمه، حداقل لیست منابع مورد استفاده را در پایان ذکر کند. شگفت است که مترجم در هیچ جا حداقل به لغت‌نامه‌ها که مورد استفاده‌اش بوده، اشاره‌ای نکرده است. سوم اینکه ترجمه آثار فاخری همچون دیوان متنبی که به غموض و پیچیدگی شهره است، نیاز به مراجعه به شرح‌های مختلف دارد. قطعاً مترجم هم در شرح برخی ابهامات و پیچیدگی‌های شعر متنبی و درک اختلاف نظرها درباره برخی ابیات و فهم بهتر معنای موردنظر شاعر، به شرح‌های مختلف دیوان متنبی مراجعه کرده است. لذا ارجاع به شرح‌های دیوان متنبی حداقل در برخی موارد اختلافی و چالشی، ضروری است.

۴-۴. کیفیت معادل‌یابی و ترجمه

بی‌شک مهم‌ترین مزیت ترجمه حاضر، مهارت و دقت فوق‌العاده مترجم در درک صحیح معنای ابیات و ترجمه فارسی آن است. همانطور که در مبحث ضرورت و فایده این ترجمه گفته شد، همین مهارت و توانایی مترجم در ترجمه از عربی به فارسی، ضرورت ترجمه و انتشار این کتاب را با وجود برخی ترجمه‌های دیگر، تبیین و توجیه کرده است. خلاصه اینکه مهارت و توانایی مترجم در ترجمه قصاید، علی‌رغم چالش‌ها و سختی‌های فراوان ترجمه شعر در مقایسه با ترجمه نثر، که مهم‌ترین آن عناصر ترجمه‌ناشدنی شعر به‌ویژه احساس و عاطفه است، ستودنی است (معروف، ۱۳۸۰، ص. ۲۳؛ آل بویه، ۱۳۹۲، ص. ۲۶).

با این حال در بررسی ترجمه قصاید با مواردی روبه‌رو شدیم که به نظر نگارنده، علی‌رغم فهم درست مترجم از مضمون ابیات، برگردان و معادل‌یابی آن و در نتیجه انتقال مفهوم به خواننده فارسی‌زبان به‌خوبی انجام نشده است و این نقص نه ناشی از خطای مترجم در فهم معنا، بلکه بیشتر ناشی از ترجمه تحت‌اللفظی یا انتخاب عبارت‌ها و ساختار پیچیده و نامأنوس بوده که در روانی و شیوایی متن و در نتیجه انتقال معنای بیت به خواننده خلل ایجاد کرده است (فیروزیان، ۱۳۸۹، ص. ۹۰)؛ یعنی شبیه همان نقصی که در خصوص معادل‌یابی واژگان فارسی در بند مربوط به قواعد عمومی نگارش مشاهده شد. به نمونه‌هایی از این موارد در ادامه اشاره می‌شود:

وَقَلْنَا لَهَا أَيْنَ أَرْضُ الْعِرَاقِ فَقَالَتْ وَ نَحْنُ بُتْرِبَانَ هَا

ترجمه: به او گفتم سرزمین عراق از کدام سوست؟ پاسخ داد و ما در تربان بودیم: اینک (ص. ۵۷).

به نظر نگارنده واژه «اینک» برای «ها» که در اینجا به گفته اغلب شارحان برجسته دیوان متنبی، حرف اشاره است^۱، معادل مناسبی نیست. لذا بهتر بود مترجم در پاسخ سؤال «این» به معنای کجاست، می‌گفت «اینهاش» یا «اینجاست».

أَتَى مَرَعَشًا يَسْتَقْرِبُ الْبُعْدَ مُقْبِلًا وَأَدْبَرَ إِذْ أَقْبَلْتَ يَسْتَبْعِدُ الْقُرْبَا

ترجمه: آنگاه که به مرعش رو نهاده بود [از سرخوشی] دور را نزدیک می‌پنداشت. چون تو به سویش رو نهادی، روی گردان شد و [از ترس] نزدیک را دور انگاشت (ص. ۶۵).
مترجم در این بیت به ترجمه تحت‌اللفظی «یستقرب البعد» و «یستبعد القربا» بسنده کرده است، در حالی که به نظر نگارنده بهتر بود به جای «دور را نزدیک می‌پنداشت»، می‌گفت: «پیروزی را در دسترس می‌دید». و به جای «نزدیک را دور انگاشت»، می‌گفت: «از ترس مسیر کوتاه بازگشت به مقصد را دراز و طولانی می‌پنداشت».

فَهَمْتُ الْكِتَابَ أBRَ الْكِتَابِ فَسَمِعًا لِأَمْرِ أَمِيرِ الْعَرَبِ

ترجمه: آن نامه را، آن بهترین نامه را، دریافتم. فرمان امیر عرب بر چشم (ص. ۸۳).
آن نامه امیر را بهترین و خیرخواهانه‌ترین نامه به شمار آوردم. پس فرمان امیر عرب اطاعت می‌شود.

گفتنی است که مترجم در بخش یادداشت‌ها در صفحه ۴۳۲، واژه عربی «أبر» را خیرخواهانه‌تر ترجمه کرده است، که به نظر نگارنده مناسب‌تر است.

وَأَطَعُنُ مَنْ مَسَّ خَطِيئَةً وَأَضْرِبُ مَنْ بِحَسَامٍ ضَرْبًا

ترجمه: ای طعن تو با نیزه‌ها از همه کاری‌تر، ای ضرب تو با تیغ‌ها از همه قاطع‌تر (ص. ۸۵).

ترجمه پیشنهادی: ای کسی که نیزه زدن‌هایش از همه کشنده‌تر، و ضربه شمشیرهایش از همه برنده‌تر.

لِيُدْفَعَ مَا نَالَهُ عَنْهُمَا فَيَا لِلرِّجَالِ لِهَذَا الْعَجَبِ

ترجمه: تا آنچه را بر سر او آمده است از آن دو تن دفع کند. شگفتا! (ص. ۸۷).
به نظر نگارنده واژه شگفتا، به تنهایی نمی‌تواند مفهوم مصراع دوم باشد و معنای بیت را تکمیل کند. بهتر بود می‌گفت: «تا آنچه را بر سر خودش آمده است از آن دو تن دور کند».

چطور می‌تواند هلاک را از آن دو دور کند در حالی که نتوانست از خودش دور کند؟ عجب توقعی ای مردم.^۲

ولا زالت الأعیادُ لبسک بعده تُسَلِّمَ مَخْرُوقاً وَ تُعْطَى مُجَدِّداً

ترجمه: پس از آن نیز اعیاد دیگر چون جامه‌ها بر تنت باد: کهنی و آب‌سپاری و نوآیین نصیبت شود (ص. ۱۴۷).

ترجمه پیشنهادی: پیوسته اعیاد چون جامه‌های نو بر تنت باد، به محض اینکه یک عید را پشت سر بگذاری. عید و شادی دیگری در انتظارت باد.

ومن و جد الإحسان قيدا تقيدا. هر که نیکی را بند بیند، خود به آن بند در آید (ص. ۱۵۱).

ترجمه پیشنهادی: هر که ریسمان محبت و نیکی را بیابد، به آن چنگ زند.

فلو سرنا و فی تشرین خمساً رأونی قبل أن یروا السماکا

ترجمه: اگر پنج روز از تشرین گذشته ما به راه افتیم، پیش از آنکه چشم کس به ستاره سماک بیفتد، مرا در پیش خود خواهد دید (ص. ۲۴۵).

ترجمه پیشنهادی: اگر پنج روز از تشرین گذشته به راه افتیم، پیش از آنکه چشم خانواده من به ستاره سماک بیفتد، مرا در پیش خود خواهند دید. چشم کس مبهم است. منظور شاعر خانواده‌اش است که چشم‌انتظار شاعر بوده و شاعر قصد عزیمت به سوی آن‌ها را داشت (العکبری، ۱۹۵۶، ج. ۲، ص. ۳۹۵). علاوه بر آن دو فعل در مصراع دوم جمع آمده، ولی مترجم آن را مفرد ترجمه کرده است.

لکَ یا منازلُ فی القلوبِ منازلُ أفقرتِ أنتِ و هنَّ منکِ أو اهلُ

ترجمه: ای منازل در این دل‌ها شما را خود منازل باشند، شما متروک مانده‌اید و آن‌ها به شما آبادند (ص. ۳۰۳).

ترجمه پیشنهادی: هان ای دیار محبوب، هنوز یاد شما در دل‌های ما جای دارد. گرچه شما متروک ماندید، ولی این دل‌ها هنوز به یاد شما سرخوش است.

یَعْلَمَنَّ ذَاکَ و ما عَلِمْتَ و إنما أَوْلَاکُمَا بِيُکِي عَلِيهِ الْعَاقِلُ

ترجمه: منازل دل این را نیک می‌دانند و شما نمی‌دانید، گریه بر دانا سزا باشد (ص. ۳۰۳).

ترجمه پیشنهادی: دل‌های ما این را خوب می‌دانند و شما نمی‌دانید، پس از بین شما کسی سزاوار گریه است که از این غم آگاه است.

شکوه متنبی در بوته نقد: نقد و بررسی کتاب شکوه متنبی اثر موسی اسوار ۱۶۳

أبو شجاع أبو الشجاع قاطبة. أبو شجاع است و جمله شجاعان را پدر باشد (ص. ۳۱۵).
ترجمه پیشنهادی: گرچه کنیه او أبو شجاع است [یعنی پدر یک شجاع]، ولی در حقیقت
الگو و سرور همه شجاعان است.^۳

واحر قلباه ممن قلبه شبم وممن بجسمی و حالی عنده سقم

ترجمه: برای آن کس که دلش سرد است و تنم رنجور او، و حال من در نزد او نزار است،
دل من چه پرگداز است (ص. ۳۲۳).

ترجمه پیشنهادی: وای که قبلم چقدر در سوز و گداز است از دست کسی که دلش سرد
است و تنم رنجور اوست.^۴

إن السیوف مع الذین قلوبهم كقلوبهن إذا التقی الجمعان

ترجمه: شمشیرها یاور کسانی‌اند، که چون دو لشکر به هم رسند، دلشان چون دل آن‌ها
باشد (ص. ۳۷۵).

ترجمه پیشنهادی: دلشان چون خود شمشیرها قوی و محکم باشد.

همانطور که در ابتدای این بند گفته شد، دقت در نواقص ذکر شده بیانگر آن است که
هیچ‌یک از خطاها ناشی از عدم فهم معنای بیت از طرف مترجم نیست، بلکه ناشی از ترجمه
تحت‌اللفظی است که مانع انتقال معنا و مفهوم کامل به خواننده شده، یا ناشی از عدم دقت
در انتقال معنا به خواننده فارسی‌زبان امروزی است که ممکن است بسیاری از واژه‌ها و
ترکیب‌ها و ساختارهای نامأنوس قدیمی یا خودساخته را درک نکند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

از آنچه تاکنون در نقد و بررسی کتاب شکوه متنبی اثر موسی اسوار، گفته شد، نتیجه گرفته
می‌شود که کتاب حاضر مانند هر اثر علمی دیگر دارای برخی قوت‌ها و ضعف‌ها در عرصه
شکل و محتواست. از جمله موارد قوت شکلی و مزایای فنی کتاب حاضر، صحافی بسیار
مناسب، دقت و مهارت در حروف‌چینی و صفحه‌آرایی و انتخاب نوع خط متناسب برای هر
دو متن عربی و فارسی است که برای خواننده چشم‌نواز است. نکته دیگر نادر بودن خطاهای
تایپی و املائی است که بیانگر تلاش نویسنده در اجتناب از غلط‌های تایپی و املائی است.
اما مهم‌ترین نقص‌های شکلی این کتاب عبارت‌اند از: فقدان طراحی جلد، نوشتن عنوان
کتاب و عنوان‌های مباحث در پایین تمامی صفحه‌های کتاب به جای بالای صفحه‌ها، فقدان

مقدمه روشمند در آغاز کتاب و مهم‌تر از همه کاربرد واژه‌ها و اصطلاحات مبهم و نامأنوس بسیار زیاد که بیانگر عدم مراعات قواعد عمومی نگارش است. از سوی دیگر مهم‌ترین موارد قوت این کتاب در زمینه محتوا، انتخاب عنوان زیبا و الهام‌بخش، مهارت و دقت فوق‌العاده در درک صحیح معنای ابیات و برگردان فارسی آن است. همین مهارت و توانایی مترجم در ترجمه از عربی به فارسی است که ضرورت ترجمه و انتشار این کتاب را با وجود ترجمه‌های دیگر، تبیین و توجیه کرده است. اما مهم‌ترین نقص‌های محتوایی موجود در این کتاب عبارت‌اند از: تکراری بودن موضوع، آشفتگی در تنظیم بخش‌های اصلی کتاب که به جدایی و فاصله بین دو بخش ترجمه قصاید و شرح آن‌ها منجر شده است، فقدان ارجاعات و استنادات و در نتیجه عدم ذکر منابع مورد استفاده در مقدمات تاریخی و شرح‌های متعدد دیوان متنبی که بیانگر عدم پای‌بندی به اخلاق علمی است.

در پایان باید گفت جایگاه متنبی و منزلت شعر او در ادبیات عربی و فارسی و تأثیرپذیری بسیاری از ادیبان و شاعران فارسی مانند سعدی و مولوی از دیوان متنبی، و فقدان ترجمه‌ای دقیق و کامل از این دیوان، ضرورت برگردان این شاهکار شعر عربی به زبان فارسی، توسط مترجمان و پژوهشگران زبان و ادبیات عربی، به‌وضوح احساس می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. و قوله: ها حرف إشارة يُريد: قَالَتْ هَا هِيَ هَذِهِ الْأَرْضُ فَحَذَفَ الْجُمْلَةَ وَ أَبْقَى الْحَرْفَ الَّذِي هُوَ ذَالٌ عَلَيْهَا الْمَعْنَى قَالَ ابْنُ جَنِّي: قُلْنَا لِلْبَابِلِ وَ نَحْنُ بَهَذِهِ الْأَرْضِ الْمُسَمَّاةِ بَتْرَبَانَ وَ هِيَ مِنْ أَرْضِ الْعِرَاقِ فَقَالَتْ هَا هِيَ هَذِهِ (العكبري، ۱۹۵۶، ج. ۱/ ص. ۳۹).
۲. يُرِيدُ أَنَّهُمَا يَطْلِبَانِ مِنَ الْمَسِيحِ أَنْ يَدْفَعَ عَنْهُمَا مَا نَالَهُ مِنَ الْهَلَاكِ مِنْ قَتْلِ الْيَهُودِ لَهُ فِي زَعْمِهِمْ ثُمَّ تَعَجِبُ مِنْ هَذَا فَقَالَ كَيْفَ يَقْدِرُ أَنْ يَدْفَعَ عَنْهُمَا الْهَلَاكَ وَ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الدَّفْعِ عَنْ نَفْسِهِ فَهَذَا غَايَةُ الْعَجَبِ (العكبري، ۱۹۵۶، ج. ۱/ ص. ۱۰۴).
۳. يَقُولُ هُوَ أَبُو شِجَاعٍ كَنِيَّةٌ وَ هُوَ أَبُو الشُّجْعَانَ كُلَّهُمْ حَقِيقَةٌ لِأَنَّهُمْ كُلُّهُمْ دُونَهُ وَ هُوَ سَيِّدُهُمْ (واحدی، ۱۸۶۱، ص. ۷۵۵). يَقُولُ أَبُو شِجَاعٍ كَنِيَّتَهُ وَ هِيَ لَهُ صِفَةٌ نَائِبَةٌ وَ حَقِيقَةٌ ظَاهِرَةٌ لِأَنَّهُ أَبُو الشُّجَاعِ يَرِيسْتَهُ فِيهِمْ وَ عَلَوْهُ عَلَيْهِمْ وَ هُوَ قَدْوَتُهُمْ وَ سَيِّدُهُمْ (العكبري، ۱۹۵۶، ج. ۳/ ص. ۲۸۵).
۴. وَ الْعَرَبُ تَكْنِي بِحَرَارَةِ الْقَلْبِ عَنِ الْإِعْتِنَاءِ وَ بَرْدِهِ عَنِ الْإِعْرَاضِ وَ التَّرُّكِ وَ تَلْخِيصِ الْمَعْنَى قَلْبِي حَارٌ مِنْ حَبِّهِ وَ قَلْبُهُ بَارِدٌ مِنْ حَبِّي وَ أَنَا عِنْدَهُ مَخْتَلٌ أَلْحَالَ مَعْتَلٌ الْجِسْمِ (العكبري، ۱۹۵۶، ج. ۳/ ص. ۲۸۵).

شکوه متنبری در بوته نقد: نقد و بررسی کتاب شکوه متنبری اثر موسی اسوار ۱۶۵

منابع

- آل بویه، ع. (۱۳۹۲) چالش‌های ترجمه شعر عربی به فارسی. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۷، ۱۳-۴۰.
- ابوالمعالی، ن. (۱۳۷۳). ترجمه کلیله و دمنه. تصحیح و توضیح م. مینوی. تهران: چاپخانه سپهر.
- أبوسلیمان، ع. (۱۳۸۷). روش تحقیق علمی به زبان عربی و منابع پژوهش‌های عربی و تاریخی. ترجمه م.ب. حسینی و م. طوسی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- بی‌نا (۱۳۹۹). موسی اسوار. وبسایت فرهنگستان زبان فارسی. تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰. <https://apll.ir/1397/08/05>
- بیهقی، ا. (۱۳۷۶). تاریخ بیهقی. تصحیح و تعلیق م. دانش پژوه. تهران: هیرمند.
- حری، ع. و شاهدباغی، ا. (۱۳۸۵). شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی: رهنمودهای بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خاکی، غ.ر. (۱۳۸۶). روش تحقیق: با رویکردی به پایان‌نامه‌نویسی. تهران: بازتاب.
- خورشیدی، ع.، غندالی ش.، و موفق، ف. (۱۳۷۸). روش‌های پژوهش در علوم رفتاری. تهران: نوین.
- دلور، ع. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سنو، ا. (۲۰۰۱). محاضرات فی منهجیة البحث. بیروت، جامعة القدیس یوسف، معهد الآداب الشرقیة.
- شلیبی، ا. (۱۹۷۴). کیف تکتب بحثاً أو رسالته. القاهرة: مکتبة النهضة المصریة.
- صابری، ع. (۱۳۸۴). المنهج الصحیح فی کتابه البحث الأدبی. تهران: شرح.
- ضیف، ش. (۱۹۷۲). البحث الأدبی: طبیعته، مناهجه، أصوله، مصادره. القاهرة: دارالمعارف.
- العکبری، ا. (۱۹۵۶). التبیان فی شرح الدیوان المتنبری. تصحیح م. السقا و ا. الإیاری و ع. شلیبی. القاهرة: مطبعة مصطفى الحلبي و أولاده.
- فاتحی نژاد، ع. (۱۳۹۲) نقد و بررسی ترجمه و تحلیل دیوان متنبری اثر علیرضا منوچهریان. مجله کتاب ماه ادبیات، ۱۴، ۶۵-۶۰.
- فرامرز قراملکی، ا. (۱۳۸۵). روش‌شناسی مطالعات دینی. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فیروزیان، م. (۱۳۸۹). بررسی تطبیقی سه ترجمه از سروده‌های متنبری. کتاب ماه ادبیات، ۴۱، ۸۹-۹۹.
- محمدی، س. (۱۳۹۹). موسی اسوار. تاریخ بازدید: ۱۳۹۹/۰۷/۱۷ <https://www.magiran.com/article/1451242>
- مشکین فام، ب. (۱۳۸۶). البحث الأدبی؛ مناهجه و مصادره. تهران: سمت.
- معروف، ی. (۱۳۸۰). فن ترجمه. تهران و کرمانشاه: انتشارات سمت و انتشارات دانشگاه رازی.
- نادری، ع. و سیف نراقی، م. (۱۳۷۲). روش‌های تحقیق در علوم انسانی. تهران: بدر.
- نظامی عروضی سمرقندی، ا. (۱۳۸۸). چهار مقاله. تصحیح م. قزوینی. به اهتمام م. معین. تهران: صدای معاصر.
- الواحدی، ا. (۱۸۶۱). شرح دیوان المتنبری. تصحیح و فهرسه ف. دیتربسی. بیروت: دارصادر.
- وراوینی، س. (۱۳۶۳). مرزبان‌نامه. تصحیح و تعلیق م. روشن. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.